«فرهیختگان» ماجرای استعفای ظریف را بررسی می‌کند

کمپین فشار به رئیس‌جمهور از کجا کلید خورد؟

زهرا طیبی
خبرنگار گروه نقد روز

استعفا، قهر یا خداحافظی، آخرین ابزار یک سیاستمدار است. وقتی تقریبا هیچ راهی برای جلورفتن مسیر و برنامه سیاستمدار نیست و کار آن‌طور که باید جلو نمی‌رود، سیاستمدار ترجیح می‌دهد خود را حذف کند؛ استعفا دهد یا حتی از عالم سیاست خداحافظی کند. اما سیاستمداری که هوشمند باشد، زمانی را برای استعفا و خداحافظی انتخاب می‌کند که کمترین آسیب را متوجه او کند و البته تاثیر اعتراضی خود را هم بگذارد. در فضای سیاسی ایران اما این روزها و درحالی‌که کابینه جدید در تدارک گرفتن رای اعتماد از مجلس و آغاز به کار است و کمتر از ۱۲ روز از تحلیف رئیس‌جمهور می‌گذرد، محمدجواد ظریف معاون راهبردی رئیس‌جمهور، پیام استعفای خود را در شبکه ایکس منتشر کرد تا دولتی که هنوز به‌طور جدی شروع به کار نکرده اولین استعفا را در کارنامه خود ثبت کند. ظریف البته سابقه روشنی هم در استعفاهای پی‌درپی دارد اما در اینکه چقدر استعفاهای او در قامت یک سیاستمدار به‌موقع بوده و اثر لازم را داشته، تردید وجود دارد.

استعفای شبانه معاون راهبردی

از یکی دو روز پیش از ارسال اسامی وزرای پیشنهادی به مجلس، نقدها و کنایه‌های چهره‌های اصلاح‌طلب به حضور وزرای پیشنهادی دولت پزشکیان شروع شد. این نقدها تا ظهر بعد از ارسال لیست وزرای پیشنهادی به مجلس نیز ادامه پیدا کرد. در ادامه همین مخالفت‌ها نیز یکشنبه‌شب محمدجواد ظریف معاون راهبردی رئیس‌جمهور، در پیامی که در شبکه ایکس منتشر کرد، از سمت خود استعفا داد. ظریف در بخشی از متن پیام استعفای خود تاکید کرد: «از ۱۹ وزیری که معرفی شدند، سه نفر نامزد نخست، شش نفر نامزد دوم یا سوم و یک نفر نامزد پنجم کمیته‌ها یا شورای راهبری بودند.» ظریف در ادامه اشاره کرد آن‌طور که انتظار داشته نتوانسته، وعده‌هایی که در مورد حضور زنان و اقلیت‌ها در کابینه داده بوده را عملی کند و نوشت: «برخی بنده را زودرنج دانستند، گمان می‌کنم در ۱۲ سال گذشته در برابر هجمه‌های بی‌سابقه، بیش از بسیاری از مدعیان، صبر و مقاومت نشان داده باشم.» از پیام استعفای ظریف این‌طور برداشت می‌شد که او در اعتراض به عدم حضور همه گزینه‌های پیشنهادی شورای راهبری در کابینه استعفا داده است. اما گمانه‌زنی‌های مختلفی در مورد علت استعفای ظریف مطرح بود.

استعلام منفی علت استعفای ظریف؟

گفته می‌شد علت استعفای ظریف، ردشدن صلاحیت او در استعلام‌ها به‌خاطر تولد فرزندش در خارج از ایران بوده است. ظریف البته در پیامی که روز گذشته بعد از انتشار پیام استعفای خود منتشر کرد، این موضوع را رد کرد و نوشت: «به‌رغم تولد برخی از فرزندانم حدود ۴۰ سال قبل و در دوران تحصیل در آمریکا و قوانین خاک محور آمریکا، برای تابعیت قهری... هیچ نهاد نظارتی، مخالفتی با معاونت بنده اعلام نکرده است.» او البته به این موضوع هم اشاره کرد که برای جلوگیری از هرگونه شائبه یا بهانه برای کارشکنی، هفته گذشته از معاونت راهبردی استعفا داده بود. اگرچه ظریف نظر منفی استعلام به‌خاطر تولد فرزندانش در آمریکا را رد کرد اما نکته مهمی که در این رابطه وجود دارد این است که برمبنای ماده ۲ قانون نحوه انتصاب اشخاص در مشاغل حساس، انتصاب افرادی مثل کسانی که خود، فرزندان یا همسرشان تابعیت مضاعف دارند، در مشاغل حساس ممنوع است. همچنین انتصاب دانشجویان، سفیران و ماموران دولتی و کارآفرینانی که در برخی کشورهای خارجی صاحب فرزند شده‌اند، ممنوع است. نکته مهمی که باید به آن توجه کرد این است که اجرای این قانون، انتخاب دستگاه‌ها را محدود می‌کنند و البته برای افرادی که به ناچار و برای ماموریت در این کشورها حضور داشتند و صاحب فرزند شدند نیز محدودیت‌های زیادی ایجاد می‌کند و اساسا به‌جای اینکه به نفع مدیریت کشور تمام شود به ضد خود تبدیل می‌شود. امری که لزوم اصلاح این قانون برای امکان بهره‌برداری از نخبگان بیشتر در مسئولیت‌های مهم را فراهم می‌کند.

ظریف پشیمان از حمایت از دولت؟

استعفای ظریف به‌عنوان رئیس شورای راهبری دولت و معاون راهبردی رئیس‌جمهور که تصور می‌شد قصد دارد به‌عنوان بازوی کمکی رئیس‌جمهور در دولت حضور داشته باشد، باعث شد نقدهای زیادی از جانب اصلاح‌طلبان متوجه او شود و او را به زودرنج بودن، جنگجو نبودن در سیاست محکوم کنند. نقد مهم‌تر اما این بود که استعفای او به قصد فشار به رئیس‌جمهور و فاصله گرفتن از وی و البته اظهار پشیمانی از کمک به رئیس‌جمهور تعبیر می‌شد که ظریف در پیامی که روز گذشته منتشر کرد، تلاش کرد فاصله‌گذاری با این تعبیرها داشته باشد و نوشت: «پیام دیشب بنده به معنای پشیمانی یا ناامیدی از دکتر پزشکیان عزیز یا مخالفت با واقع‌گرایی نیست.» ظریف علت استعفای خود را «تردید در مفید بودن در معاونت راهبردی» اعلام کرد.

دعوا بر سر ۲ وزارتخانه

به‌نظر می‌رسد بخش اصلی که در متن استعفای محمدجواد ظریف جلب توجه می‌کند، تاکید او بر عدم استفاده از تمام گزینه‌های پیشنهادی شورای راهبری است. ظریف اشاره کرد تنها سه نامزد از از اولویت‌های نخست شورای راهبری بودند، شش نفر از اولویت‌های دوم و سوم کمیته‌ها و یک نفر نامزد پنجم کمیته‌ها بوده است. در واقع تنها سه نامزد که اولویت اصلی کمیته‌ها بودند در شورای راهبری حضور دارند و نامی از ۹ نفر دیگر از وزرا در کمیته‌ها برده نشده است. بر این اساس موضوعی که منجر شده ظریف، شبانه پیام استعفای خود را بنویسد، اختلاف نظر در چینش کابینه بوده است. براساس شنیده‌های «فرهیختگان»، موضوع اصلی اختلاف و چالش در چینش کابینه، بر انتخاب وزرای پیشنهادی کشور یعنی اسکندر مومنی و وزیر پیشنهادی ورزش احمد دنیامالی بوده و ظریف مخالفت جدی با انتصاب این افراد داشته است.

اعتراض برای خالص‌سازی دولت

انتقاد به لیست پیشنهادی رئیس‌جمهور تا صبح روز اعلام گزینه‌های پیشنهادی به مجلس با چاشنی کنایه ادامه داشت تا یکشنبه‌شب که رئیس شورای راهبری دولت چهاردهم استعفا داد. مشخص بود بخش زیادی از انتقادها به رئیس‌جمهور به این خاطر است که فقط بخشی و نه همه گزینه‌های پیشنهادی مطلوب آنها در کابینه معرفی‌شده رئیس‌جمهور حضور ندارند. این اعتراض‌ها سهم‌خواهی حامیان دولت برای حضور صددرصدی گزینه‌های مطلوب در کابینه را نشان می‌داد. «خالص‌سازی» کلیدواژه‌ای بود که عموم چهره‌های اصلاح‌طلب برای انتقاد کردن به دولت و البته برخی شخصیت‌های اصولگرایی مطرح می‌کردند. محل اصلی نقد اصلاح‌طلبان بر این محور استوار بود که دولت سیزدهم و برخی چهره‌های اصولگرا به‌دنبال یکدست‌سازی و حذف افرادی هستند که کمی با نظر آنها مخالفند بودند. امری که حالا این سوال را ایجاد می‌کند تلاش برخی از اصلاح‌طلبان و چهره‌های حامی دولت برای اعتراض به حضور برخی افراد در کابینه و البته استعفای ظریف مصداق خالص‌سازی نیست؟ بهتر است که اگر اصلاح‌طلبان حامیان دولت، مخالف خالص‌سازی در دولت و ارکان نظام حکمرانی هستند، فضا را برای تحقق شعار وفاق ملی رئیس‌جمهور و حضور چهره‌های مختلفی که شاید موافق همه آنها نیستند باز بگذارند یا حداقل مرزگذاری با تعبیر اینچنینی از مخالفت‌های خود داشته باشند تا این‌طور برداشت نشود که انتقادهای آنها به خالص‌سازی‌ها در بخش‌های مختلف، استاندارد دوگانه‌ای است که تنها زمانی که منافع آنها را به خطر بیندازد و آنها را حذف کند، معنا پیدا می‌کند.

پایان شکیبایی

استعفای محمدجواد ظریف درحالی‌که کمتر از ۲۰ روز از تشکیل کابینه می‌گذرد. اگرچه اتفاق غیرمنتظره‌ای بود، اما انتشار این پیام از جنس استعفا از جانب ظریف تازگی ندارد. ماجرای استعفای او در روزی که رئیس‌جمهور سوریه به ایران آمد و با رهبرانقلاب دیدار کرد، هنوز در خاطر افکارعمومی باقی مانده است. ظریف شب ششم اسفند ۹۷ استعفای خود را از سمت وزارت خارجه اعلام کرد. انتشار متن این استعفا همزمان با رئیس‌جمهور سوریه شائبه ارتباط این استعفا با این سفر را تقویت کرد. استعفای او البته مورد پذیرش رئیس‌جمهور قرار نگرفت و بعدها ظریف نیز به این موضوع اشاره کرد که شهید سلیمانی به دفتر او آمده و از او دلجویی کرده است. اما نکته جالب ماجرا اینجاست که این تنها استعفای ظریف در دوران وزارت خود در دولت روحانی نبوده است. او در کتاب «پایاب شکیبایی» که در آن به خاطرات دوران وزارت خود پرداخته، نوشته که در هشت‌سال دولت، پنج‌باری استعفا داده است.

اولین‌باری که ظریف قصد استعفا می‌کند در جریان اولین سفر رئیس‌جمهور به نیویورک بوده است. علت استعفا هم این بوده: «برخی مشاوران آقای رئیس‌جمهور بدون هماهنگی تلاش کرده بودند نشست وزرای خارجه پنج به‌اضافه یک و ایران را به نشست سران تبدیل کنند.» بار دومی که ظریف، تصمیم به استعفا می‌گیرد، مربوط به زمانی بوده که طرحی درباره کمیته نیازهای هسته‌ای کشور برای زمامداران کشور فرستاده شد اما بدون هماهنگی با وزارت خارجه بوده است و از طرفی به‌گفته ظریف «گفت‌وگوها را پیشاپیش محکوم به شکست می‌کرد.» بار سوم هم به‌خاطر «شکایت از بی‌توجهی سایر وزارتخانه‌ها به بایسته‌های بنیادین سیاست خارجی و به‌ویژه در ارتباط با ناهماهنگی در پیوندهای با روسیه بود که انجام وظیفه وزیر امور خارجه را برهم ریخته بود.» استعفای ظریف بعد از سفر بشار اسد به تهران، چهارمین استعفای او بوده است و بار پنجم نیز ظریف زمانی استعفا داد که «ایران تلاش‌هایی برای شکست دادن تلاش آمریکا برای بازگرداندن قطعنامه‌های شورای امنیت در تابستان و پاییز ۱۳۹۹ بود.» در همین راستا پوتین پیشنهادی مطرح کرد که به‌گفته ظریف باید با روش دیپلماتیک با آن برخورد می‌شد اما «در شورای‌عالی امنیت ملی و در دولت با لحنی تند مخالفت کردند که توهین به وزارت و وزیر امور خارجه بود» و ظریف به همین خاطر استعفا داد. بر همین اساس استعفای یکشنبه‌شب او با توجه به سابقه استعفایش در دوران وزارت تنها به تعداد استعفاهای او اضافه کرده است. امری که باعث شد برخی محمدجواد ظریف را «آقای استعفا» بخوانند. این انتقاد حتی از جانب برخی چهره‌های نزدیک به دولت نیز مطرح شد و تاکید آنها روی این موضوع بود که در عالم سیاست نباید زودرنج بود و باید جنگید. نکته مهم در این رابطه این است که اگرچه استعفا می‌تواند یک روش اعتراضی و حتی اهرم فشار در فضای سیاست باشد اما اینکه این استعفا در چه زمانی و چه موقعیتی صورت بگیرد که اثر خود را بگذارد هم مهم است. واقعیت این است که استعفای محمدجواد ظریف در زمانی که هنوز دولت کار خود را به‌صورت جدی شروع نکرده، نوک پیکان انتقادها را بیشتر متوجه شخص او کرده است.

اصلاح‌طلبان، دولت اصلاح‌طلب را گردن بگیرند

مسعود پزشکیان با حمایت جدی و مستقیم اصلاح‌طلبان در انتخابات پیروز شد. جبهه اصلاحات در انتخابات تیرماه به‌صورت علنی پزشکیان را به‌عنوان نامزد مورد حمایت خود انتخاب کرد. دولت چهاردهم دولت اصلاح‌طلبان است، اگرچه رئیس‌جمهور شعار تشکیل دولت وفاق ملی را مطرح کرد اما درواقع امر ایده مرکزی دولت و مسیری که طی خواهد کرد از جانب اصلاح‌طلبان تعیین خواهد شد. واقعیت هم این است که در میان گزینه‌های معرفی شده، اساسا چهره اصولگرایی که تناقض آشکاری با ایده رئیس‌جمهور داشته باشد، دیده نمی‌شود. علاوه‌بر این اصلاح‌طلبان در شورای راهبری برای چینش کابینه هم حضور داشتند و نزدیک به ۱۰ نفر از پیشنهادهای آنها در کابینه حضور دارند، بااین‌حال به‌نظر می‌رسد بعد از انتشار لیست وزرای کابینه پیشنهادی رئیس‌جمهور، برخی چهره‌های اصلاح‌طلبی با انتشار انتقادهای خود در فضای مجازی، قصد دارند فاصله‌گذاری با دولت داشته باشند تا مجبور به پرداخت هزینه حمایت از دولت نشوند. در روزهای ابتدایی بعد از پیروزی مسعود پزشکیان حتی جبهه اصلاحات نیز تلاش کرد حمایت خود از رئیس‌جمهور را انکار کند اما نتوانست. نکته‌ای که باید به اصلاح‌طلبان یادآوری کرد، این است که دولت چهاردهم دولت اصلاح‌طلبان است. نقدهایی که در این چهارچوب به چینش کابینه مطرح می‌شود نیز درون جبهه اصلاح‌طلبی تحلیل می‌شود و بهتر است اصلاح‌طلبان برای کاهش عملکردهای منفی و بهتر شدن عملکرد دولت، به‌جای فاصله‌گذاری، بازوی کمکی دولت باشند.

سه‌شنبه ۲۳ مرداد ۱۴۰۳
شماره ۴۲۰۷
FARHIKHTEGANDAILY.COM
FARHIKHTEGANONLINE

فعالان سیاسی نزدیک به دولت ترجیح می‌دهند به جای جلسه، در فضای مجازی از خجالت هم دربیایند

گوشی‌ات را زمین بگذار

علی مزروعی
خبرنگار گروه نقد روز

اینکه مدیران اجرایی دارای جایگاه سیاسی از همه ابزارهای خود از جمله فضای مجازی برای پیشبرد سیاست‌های مد نظر بهره ببرند امر معمول و رایجی است اما اینکه همه ابزارهای سیاسی نادیده گرفته شده و فضا انحصارا در اختیار فعالیت‌های مجازی قرار بگیرد که بیشتر به رفتار بلاگرها شبیه است تا مدعیان میدان سیاست. استفاده نادرست از این فضا و کنش‌هایی که مسیر منطقی پیشبرد آن جایی غیر از توییت و استوری است باعث می‌شود تا هم انرژی نیروهای سیاسی که احتمالا مدیران اجرایی نیز هستند برای جر و بحث‌ها هدر رود و حاصلی جز کشاندن دعواهای جناحی به میام مردم نداشته باشد. رویکردهای مجازی همچنین باعث می‌شود تا پای افرادی که اصلا ربطی به ماجرا ندارند نیز به دعوا باز شده و تریبونی برای شهرت آنها فراهم آید. این نگرانی زمانی تشدید می‌شود که چهره‌های نزدیک به رئیس‌جمهور نیز به جای استفاده از نردبان سیاست‌ورزی ترجیح دهند خود را به چاه بلاگری انداخته و با سرعت بیشتری در آن فرو روند. وضعیتی که در یکی دو روز اخیر محمدجواد ظریف بیش از همه به آن دچار شده است.

توییت‌زنی با رویکرد کمک به دولت تناقض دارد

محمدجواد ظریف که با هدف کمک شورای انتقال قدرت دولت چهاردهم را در دست گرفت چندین بار اعلام کرد که این شوراشان مشورتی به رئیس‌جمهور داشته و درنهایت رئیس‌جمهور برای استفاده از سایر ظرفیت‌های بیرون شورا نیز دستش باز است. حال اما با اعلام کاندیداهای نهایی اظهارات متناقضی از جانب ظریف مطرح شده و او در متن توییتری که یکشنبه شب مطرح کرده به دلیل ناتوانی خود در پیگیری امور در دالان‌های سیاست داخلی از مردم عذرخواهی کرده و از اینکه نتوانسته نظر کمیته‌های را به نتیجه برساند ابراز شرمندگی می‌کند. حال آنکه از ابتدا مطابق اظهارات خودش بنا نبوده همه پیشنهادهای کمیته محقق شود و رئیس‌جمهور درباره انتخاب کابینه اختیار داشته است. استعفای اعتراضی ظریف به‌قدری با ادعاهای پیشین او در تناقض بود که او مجبور شد در توییتی دیگر برای متن استعفای خود این‌گونه تفسیر به بنویسد: «آنچه باعث گزارش دیشب شد، تردید در مفید بودنم در معاونت راهبردی بود و آن بهانه سیاسی، دلیل بازگشت به دانشگاه نبود و تنها مزید بر علت بود.» مخالفت ظریف با کابینه پیشنهادی پزشکیان چه علت اصلی باشد و چه مزید بر علتی برای استعفا باشد تناقضی که با رویکرد کمک به دولت به وجود آمده را توجیه نمی‌کند. آنچه این تناقض را توجیه می‌کند این است که ظریف در زمان تشکیل شورای انتقالی به اثرگذاری آن باور داشت به همین دلیل نیز نگرانی از تکرار این جمله که اختیار انتخاب کابینه با رئیس‌جمهور است نداشت. این گونه موضع‌گیری باعث می‌شد تا او بتواند در عین تاثیرگذاری حداکثری در تعیین کابینه بتواند مسئولیت انتخاب‌های انجام‌شده را نیز از دوش خودش برداشته و به رئیس‌جمهور محول کند. عیار صداقت این جمله اما زمانی مشخص شد که پزشکیان ترجیح داد خودش رئیس‌جمهور باشد و درمورد چیزی که باید بعدها پاسخگوی آن باشد خودش تصمیم‌گیری کند. با این وجود مطابق ادعای خود ظریف از ۱۹ وزیر پیشنهادشده ۱۰ نفر در بین گزینه‌های شورای انتقال قدرت بوده‌اند. ظریف که احتمالا توقع داشته نظرات شورای تحت امرش به‌صورت حداکثری اجرایی شود بلافاصله یک روز پس از اعلام اسامی از موضع پیشین خودش عقب‌نشینی کرده و اقدامی را انجام می‌دهد که صرفا توپ منتقدان دولت شروع به‌کارنکرده را پرتر می‌کند. این نتیجه نیز کاملا برخلاف ادعای کمک به پزشکیان است که در توییت تفسیری ظریف بار دیگر مورد تاکید قرار گرفته است. اینکه رئیس شورای انتقال قدرت توقع داشته باشد زحماتش در شورا نادیده گرفته نشود امری منطقی است اما روایت‌های پی‌درپی درمورد این شورا در توییتر ظریف را ناچار به تفسیرهایی متناقض کرده است. شاید اگر وزیرخارجه مخالفت‌هایش را به جای توییتر در جلسات متعددی که با رئیس‌جمهور داشت ابراز می‌کرد الان هم می‌توانست راحت‌تر راهش را از دولت جدا کند بدون اینکه نیاز باشد ادعای کمک به دولت را با پذیرش مسئولیتی غیراجرایی و استعفای دو هفته‌ای از آن پیچ و مهره کند.

سیاست‌ورزی توییتری کاسبان شهرت را به طمع می‌اندازد

پس از آنکه ظریف متن استعفای خود را توییتر منتشر کرد برای چهره‌های توییتر که سعی دارند همواره وجهه‌ای مطلع از خود بسازند از فرصت به‌وجودآمده بهره برده و تناقض رفتاری ظریف را با خبری بدون منبع این‌گونه توجیه کردند که نهادهای امنیتی او را به دلیل تابعیت اعضای خانواده‌اش رده کرده‌اند. شایعه‌ای که آنقدر بازتاب پیدا کرد که خود ظریف ناچار شد وارد عمل شده و در توییت دومش این ادعا را رد کند. ظریف در توییت دومش گفت: «هیچ نهاد نظارتی مخالفتی با معاونت بنده اعلام نکرده است.» اگر ظریف برای پاسخ به مطالباتی که با اظهارات توییتری ایجاد کرده بود مسئولیت قبول نمی‌کرد اکنون نیز ناچار نبود استعفایی ابهام‌آمیز را منتشر کرده و فرصت را برای بلاگرهای خبری فراهم آورد.

قبل از تعیین هر چهارچوبی، به چهارچوب‌های فعالیت سیاسی پایبند باشید

سیاست‌ورزی زمانی معنا پیدا می‌کند که در چهارچوب‌های تعیین‌شده پیگیری شود در غیر این صورت نمی‌توان مرزی بین آن با کنش اجتماعی و رسانه‌ای قائل شد. مهم‌ترین تفاوت کنش سیاسی با کنش رسانه‌ای این است که رسانه فضای توصیف مناقشات و سیاست عرصه حل آن است. کنشگر سیاسی نیز باید بتواند با قائل شدن مرزی بین این دو رسانه‌ها را در راستای حل مساله به کار گیرد. عدم تفکیک قائل بودن به چنین مرزی باعث می‌شود تا سیاستمدار بر حسب عادت مطالبی را در فضای عمومی مطرح کند که نه تنها در حل بحران اثری نداشته بلکه آن را تشدید می‌کنند. محمدجواد ظریف به‌واسطه ریاست شورای انتقال قدرت فردی بوده که احتمالا بیشترین جلسات را تاکنون با شخص پزشکیان برگزار کرده است. جلساتی که ابزار چانه‌زنی محسوب شده و باعث می‌شود بین یک فعال سیاسی و یک فعال رسانه‌ای تمایز ایجاد شود. بیشتر مباحثی که در فضای رسانه‌ای مطرح می‌شود خیلی زودتر می‌توانست در این جلسات حل‌وفصل شده یا طرفین را درمورد تداوم همکاری با یکدیگر به جمع‌بندی برساند بدون اینکه نیاز باشد مدام درمورد آن توییت‌های ضدونقیض منتشر شود.

اگر از دعواهای رسانه‌ای به دنبال ناامیدی جامعه هستید به همین روند ادامه دهید

کشاندن دعواهای بی‌نتیجه سیاسی به سطح رسانه باعث می‌شود مخاطب بیرون ماجرا که اطلاعی از جزئیات آن ندارد صرفا با قسمت تاریک ماجرا مواجه شده و نسبت به بهبود وضعیت زندگی خود که تحت تاثیر سیاست‌های مدیران قرار دارد، ناامید شود. لذا اگر سیاستمداران در مورد وعده‌هایی که مبنی بر بهبود اوضاع و کمک به مردم می‌دهند، صادق باشند باید تا حد ممکن از علنی کردن این دعواها خودداری کنند مگر اینکه نیت منفعت شخصی و جناحی باشد که در آن زمان وضعیت فرق می‌کند. برای کسانی که منفعت جناحی منفعت دارد، فعال کردن بدنه اجتماعی می‌تواند ابزار خوبی محسوب شود؛ ابزاری که جز با کنشگری رسانه‌ای تهییج‌کننده فراهم نمی‌آید.

با اظهارات توییتری تصویر خود و رئیس‌جمهور را در افکارعمومی ضعیف نکنید

اگرچه از یک کنشگر سیاسی خیرخواه توقع می‌رود حتی در زمان انتخابات نیز از تقابل پرهیز کند اما حتی اگر این امر میسر نیز شود پس از پیروزی در انتخابات فعال سیاسی رسما به سیاستگذاری تبدیل می‌شود که برای تحقق بهتر ایده‌هایش نیاز به همراهی آحاد جامعه دارد. این همراهی زمانی محقق می‌شود که خود سیاستگذار نیز برای آن تلاش کند نه اینکه بلندگو در دست برتنور اختلافات بدمد. آذری جهرمی یکی از نزدیکان رئیس‌جمهور محسوب می‌شود که کنش رسانه‌ای انتخاباتی‌اش تا حد زیادی بر ضد وفاق ملی که شعار رئیس‌جمهور است تعریف می‌شود. او که با طالبان خواندن حامیان رقیب انتخاباتی رفتار رسانه‌ای‌اش در فضای انتخاباتی مورد انتقاد چهره‌های سیاسی قرار گرفته بود، در فضای پساانتخابات نیز در رویکرد رسانه‌ای خود مسیر صحیحی را اتخاذ نکرده است. او مواردی را که از دالان سیاسی در اختیارش، قابل چانه‌زنی است به صحنه رسانه کشانده و اعتراضاتش به سهم‌خواهی‌ها را بدون اینکه شفاف اسم کسی را بگوید در توییتر فریاد می‌زند. حال آنکه این اظهارات نه‌تنها کمکی به رئیس‌جمهور نمی‌کند بلکه تصویر فردی ضعیف را از او می‌سازد که اکنون اطرافیانش برای نیفتادن او در دام سهم‌خواهی چاره‌ای جز داد زدن در توییتر ندارند. چنین رویکردی خود این منادیان را نیز که در انتخابات برای پزشکیان تبلیغات می‌کردند زیر سوال می‌برد. آذری جهرمی و سایر چهره‌های نزدیک به رئیس‌جمهور نیز که این روزها به‌ویژه در مورد سهم‌خواهی‌ها نگران هستند، می‌توانند نگرانی‌شان را به رئیس‌جمهور منتقل کرده و درنهایت نیز از تصمیمات فردی که او را شایسته این جایگاه می‌دانستند، تمکین کنند.

تصویر موروثی از دولت پزشکیان نسازید

پررنگ شدن نقش اطرافیان در جایگاه‌های سیاسی و اجرایی در هر جامعه‌ای باعث به وجود آمدن شائبه رانت در افکار عمومی می‌شود و این مورد به‌ویژه در جامعه ایرانی که از این بابت صدمات زیادی نیز متحمل شده بیشتر مورد توجه قرار می‌گیرد. پیش از این برخی روسای جمهور پیشین به‌دلیل نقش پررنگ اطرافیان‌شان در صحنه سیاست مورد انتقاد قرار گرفته بودند. این نگرانی زمانی در مورد دولت پزشکیان ایجاد می‌شود که مواضع چند روز اخیر فرزندان او در فضای مجازی را مرور کنیم. کنش‌های سیاسی آنها این روزها صرفا به این دلیل که فرزند رئیس‌جمهور منتخب هستند در فضای رسانه‌ای بازتاب پیدا می‌کند. اینکه این مواضع صرفا به‌خاطر نسبت‌های خانوادگی ضریب پیدا کند باعث می‌شود تا جامعه با این همانی کردن این رفتارها با اتفاقاتی که در دولت‌های اسبق رخ داده نسبت به سیاست‌ورزی بدبین شود. اساسا اگر پزشکیان رئیس‌جمهور نبود موضع صفحه شخصی پسر ایشان اهمیتی داشت؟ قطعا خیر. بنابراین اینکه پسر یا دختر رئیس‌جمهور بگویند حرف یا نوشته ما در فضای مجازی که موضع شخصی است و ربطی به پدر ندارد، قابل درک نیست. به‌طور طبیعی خانواده و نزدیکان هر فردی اهمیت دارند، ارتباط عاطفی و شخصی فرد فارغ از اینکه او چه سمتی دارد حذف شدنی نیست و اتفاقا می‌تواند کارگشا هم باشد اما اینکه افراد سالم خانواده از لایه‌های درونی ارتباطات فردی به میدان اجتماعی بیایند و کنش سیاسی داشته باشند، درست نیست. این گزاره درباره اینکه اعضای خانواده رئیس‌جمهور نباید در امور جاری و تصمیمات مهم کنش رسانه‌ای و غیررسانه‌ای داشته باشند، یک منطق عمومی است و مشورتی ناصحانه به رئیس‌جمهور تازه‌نفس است. قطعا هرگونه مولفه سیاسی و اجتماعی که مانع کارآمدی دولت شود، باید مورد توجه دلسوزان ایران قرار گیرد.